


دوره‌نامه‌نامه تاریخی ادبیات

دوره ۱۵، شماره ۲، (پیاپی ۸۶/۲) پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

10.52547/HLIT.2023.228263.1151 

قرآن مترجم ۳۹۹۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ گنجینه‌ای از فارسی ماوراءالنهری (ص ۱۱۳-۱۴۲)

منظر سلطانی^۱، مرضیه مسیحی‌پور^۲

چکیده

نسخه ترجمه قرآن حاضر که در این مقاله بررسی می‌شود میکروفیلمی است متعلق به مسیح ذبیحی نویسنده گرگانی (۱۳۰۸-۱۳۵۶) که با شماره ۳۹۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. مهم‌ترین اهمیت ترجمه‌های کهن، گنجینه‌ای عظیم از واژگان است که در این آثار نهفته است و دلیل آن کوشش مترجمان برای یافتن معادل‌های دقیق واژگان و تعابیر قرآنی است که سبب شده مترجمان قرآن برای رسیدن به این هدف، سه راه را در پیش گیرند: یکی استفاده از واژگان کهن و فراموش شده، دیگر استفاده از واژه‌های گویشی، و راه سوم که موجب ارتقای ذخیره‌های زبانی شده است آن است که با استفاده از ظرفیت‌های زبانی، واژه‌های نو ساختند که این امر سبب شده فواید لغوی فراوانی در شناخت و بررسی این ترجمه‌ها وجود داشته باشد. براساس مفردات و ویژگی‌های دستوری موجود در نسخه ۳۹۹۷ و نیز با سنجش مختصات زبانی و دستوری این نسخه با نسخه‌های ۹۹۹، ۲۰۴۶، ۱۷۱۳ آستان قدس (الف پایان فعل، دشمنانگی، سازواری، اُ، آمدن حرف نهی / نفی پیش از جزء اول فعل مرکب و حذف ی میانجی در ضمیر متصل شان / تان) می‌توان گفت که قرآن ۳۹۹۷ متعلق به حوزه زبانی ماوراءالنهر است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه قرآن، واژه‌های گویشی، حوزه زبانی، ماوراءالنهر، واژگان کهن.

msoltani53@yahoo.com

mmasihpoor@gmail.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Translated Qur'an No. 3997 in the Central Library, University of Tehran; A Treasure of Transoxianan Persian

Manzar Soltani¹, Marzieh Mashipour²

Abstract

This article examines a Qur'an translation available on microfilm at the Central Library of the University of Tehran (no. 3997), belonging to Masih Zabihi (1929-1977), a Gorgani author from northern Iran. As translators searched for exact equivalents for Qur'anic terms and expressions, their efforts led to the development of ancient translations' most significant feature: preserving a vast treasure of words. Three approaches have been employed by Qur'an translators to achieve this goal: using forgotten words, dialectal words, and coining new words according to linguistic capabilities. Hence, examining these translations reveals many lexical features of ancient texts. In light of the vocabulary, grammatical, and linguistic features in manuscript no. 3997 and its comparison with manuscripts no. 999, no. 2046, and no. 1713 in Astan Quds, it can be concluded that Qur'an no. 3997 belongs to the Transoxiana linguistic area.

Keywords: Qur'an translation, dialectal words, linguistic area, Transoxiana, ancient words

1. Associate professor, Department of Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, email of the corresponding author: msoltani53@yahoo.com

2. PhD in Persian Language and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, email: mmasihpoor@gmail.com.

۱. مقدمه

مطابق روایات فراوانی که از صحابه و تابعین به جا مانده است تلاش برای فهم معنی و تفسیر آیات قرآن از زمان حیات پیامبر (ص) و نزول آیات مبارک قرآن شروع شد. از قرن دوم هجری به بعد این تلاش‌ها به نوشته شدن تفسیرهایی به زبان عربی انجامید که تفسیرهای ایرانی در میان آنان فراوانند. یکی از این مفسران محمد بن جریر طبری (قرن چهارم هجری) است که تفسیر بزرگ و مفصل جامع البیان فی التفسیر القرآن را به زبان عربی نوشته است، سپس این اثر به فارسی ترجمه شده است. گرچه جاحظ در البیان و التبین آورده است که موسی بن سيار اسواری (م ۲۵۵ هـ) پیش از وی، قرآن را به فارسی ترجمه کرده است (جاحظ، ۲۰۰۲، ج ۱: ۲۹۳) یا مطابق روایاتی آشفته، سلمان فارسی سوره فاتحه را به فارسی ترجمه کرده بود تا ایرانیان در نماز بخوانند (حسنی واعظ، ۱۳۸۱: هفده) اما طبق اسناد تاریخی اولین تفسیر/ترجمه قرآن به زبان فارسی براساس تفسیر طبری و به دست جمعی از علمای ماوراءالنهر نوشته شد (علمای ماوراءالنهر، ۱۳۵۶، ج ۵: ۱) البته برخی از پژوهشگران مانند آذرنوش درباره صحت این قول شک کرده‌اند و هرگونه انتساب کتاب موسوم به ترجمه تفسیر طبری به جامع البیان فی التفسیر القرآن طبری را رد کرده‌اند و این اثر را ترجمه رسمی خوانده‌اند (آذرنوش، ۱۳۷۵ الف: ۱۴). به هر روی ترجمه و تفسیر عالمانه قرآن کریم به فارسی از قرن چهارم رونق یافت به گونه‌ای که هم‌اکنون نسخه‌های فراوانی از ترجمه‌ها و تفسیرهای فارسی در کتابخانه‌های سراسر جهان موجود است.

تفسیرها و ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی گنجینه‌ای عظیم هستند که دربرگیرنده بسیاری از واژه‌های ساده و مرکب فارسی سره هستند که گاه ازین واژه‌ها جز در این آثار، رد و نشان دیگری در میراث زبان فارسی در دست نداریم. از این رو پژوهش در این ترجمه‌ها در شناخت صورت‌های کهن برخی واژگان مفید است و با استخراج و تدوین نکات دستوری، آوایی، زبانی و سبکی این قرآن‌ها می‌توان به مطالعات دستوری تاریخی و نیز تاریخ آوایی زبان فارسی کمک فراوانی کرد.

یکی از این ترجمه‌های کهن که ما در این مقاله قصد بررسی آن را داریم ترجمه‌ای است به شماره ۳۹۹۷ که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

۲. اهمیت ترجمه‌های قرآن

ترجمه‌های کهن قرآن به زبان فارسی دربردارنده نکات گوناگون ادبی، لغوی، زبان‌شناختی و ... هستند که با بررسی و تحقیق در آنها می‌توان نتایج بسیاری درباره سبک، تحولات آوایی، زبانی و دستوری زبان فارسی به

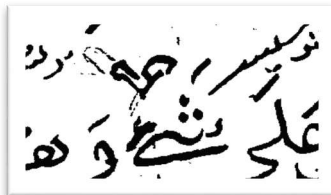
دست آورد. مهم‌ترین اهمیت ترجمه‌های کهن قرآن، گنجینه عظیمی از واژگان است که در آنها نهفته است. علت این امر آن است که مترجمان برای یافتن معادل‌های دقیق واژگان و تعبیری قرآنی سه راه را در پیش گرفتند: یا از واژگان کهن فراموش شده استفاده کردند و از این راه این واژه‌ها را در لابه‌لای ترجمه‌های خود حفظ کردند، یا به استفاده از واژه‌های گویشی روی آوردند یا آنکه با استفاده از ظرفیت‌های زبانی، واژه‌ای نو ساختند. از این رو فواید لغوی بسیاری در شناخت و بررسی این ترجمه‌ها مستتر است.

«با این حال، این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ترجمه‌های فارسی قرآن بر ساختار دستوری زبان فارسی اثر ناخوشایندی نهادند؛ شیوه ترجمه لفظ به لفظ، که نخستین و رایج‌ترین شیوه در این ترجمه‌ها بود، باعث شد که بسیاری از مترجمان عبارات فارسی خود را در قالب جملات عربی درآورند. بسیاری از خوانندگان آن آثار به همان ساختارهای نامأنوس با زبان فارسی خو گرفتند و آنها را فارسی انگاشتند. این شیوه به ترجمه‌های غیرقرآنی هم راه‌یافت و به‌صورت پدیده زبان‌شناختی شگفتی در آمد که جلوه آن به‌کاررفتن انبوهی از واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات، جملات عربی و گزته‌برداری گسترده از زبان عربی در زبان فارسی بود» (آذرنوش، ۱۳۷۵، ج ۱: ۵۰۲۱).

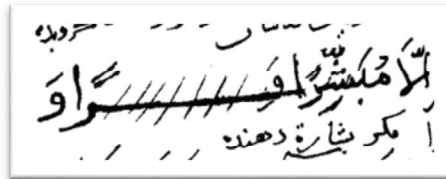
۳. معرفی نسخه اساسی

نسخه ترجمه قرآن حاضر میکروفیلمی است از نسخه‌ای متعلق به مسیح ذبیحی نویسنده گرگانی (۱۳۰۸-۱۳۵۶) که با شماره ۳۹۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. نسخه ۸۰۶ صفحه است که آغاز و انجام آن افتاده است و افتادگی‌های آن (۱۳ صفحه آغازین و ۳۳ صفحه پایانی از ص ۷۷۳ تا ۸۰۶) در قرن یازدهم به همت عطاءالله بن محمدصالح کاشانی در مکه به خط نسخ و بدون ترجمه افزوده شد. بخش کهن نسخه به خط نسخ درشت نوشته شده است که از کاتب آن نام و نشانی در دست نیست. کاغذ آن سمرقندی، جلد تیماج و نسخه بدون آرایه خاصی است. ابعاد برگ‌ها ۲۴×۳۰/۵ است. ده سطر متن و ده سطر ترجمه است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۳، ج ۲: ۲۹۱). نسخه رکابه‌نویسی شده است.

بخش قرآنی کهن‌نویس قرآن دارای افتادگی‌های فراوانی است که کاتب اصلی با علامت ابرو



این افتادگی‌ها را نشان داده و در حاشیه افزوده است. در این بخش اشتباهات کتابتی فراوانی نیز به چشم می‌خورد که کاتب با خط زدن

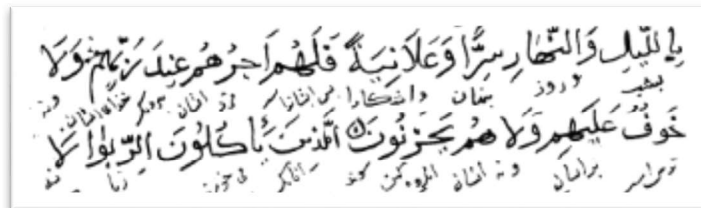


یا رسم دایره‌ای بر روی آن



اشتباهات خود را اصلاح کرده است.

کاتب در چند برگ اول نسخه، هر ده آیه را با علامتی شبیه گل پنج‌برگ مشخص کرده و در حاشیه کلمه «عشر» را نوشته است، اما از صفحه ۲۴ به بعد کلمه «عشر» را ننوشته و فقط همان نشان گل پنج‌برگ را آورده است. گاهی که واژه قرآنی دوبخشی است و در پایان سطر بخش اول کلمه می‌آید و بخش دوم در ابتدای سطر دوم، بخشی از ترجمه در پایان سطر و بخشی در ابتدای سطر بعدی آورده می‌شود:



متن ترجمه بین سطور آیات با خط نسخ ریز و خوانا نوشته شده است که با توجه به ویژگی‌های زبانی ترجمه به نظر می‌رسد متعلق به قرن ششم هجری باشد.

مواردی خارج از متن ترجمه، در حاشیه صفحات به خطی دیگر نوشته شده است:

۱. وقفیه‌ای بی‌تاریخ که بر اساس آن این قرآن را حسینی استرآبادی وقف بیجه فاطمه بنت میر

نظام‌الدین استرآبادی کرده است (۱۰):

۲. روایاتی از مفسران دوره اول مانند ابن عباس (۳۵۳)، سعید بن جبیر (۳۵۶):

۳. ضرب المثل «هرچه باشد در کوزه ترابد» (۳۷۴)؛

۴. یک بیت از سعدی: به نام خداوند جان آفرین / حکیم سخن در زبان آفرین (۷۰۱) (سعدی، ۱۳۸۴: ۲۰)؛

۵. یک حدیث به نقل از جوامع الجامع شیخ طبرسی (۷۰۷).

۳-۱. افتادگی‌های ترجمه

در تمام متن مترجم افتادگی‌های فراوانی دیده می‌شود که نشان از رونویس بودن بخش مترجم دارد. این افتادگی‌ها عموماً در حد یک یا دو کلمه هستند که ممکن است در نسخه مادر افتاده باشند یا کاتب نسخه ۳۹۹۷ نتوانسته باشد آن را بخواند. البته با توجه به محل‌های اسقاط ترجمه و سهولت متن آیه‌های این بخش‌ها، این فرضیه چندان درست نیست و به نظر می‌رسد فرض افتادگی این بخش‌ها در نسخه مادر درست‌تر باشد. با این همه سه موضع در نسخه هست که کاتب ترجمه آنها را در متن نیاورده است: آیه ۱۵۰ تا میانه ۱۵۴ سوره بقره، آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره بقره، آیه ۶ و ۷ سوره صف.

۳-۲. مترجم نسخه ۳۹۹۷

سرنوشت این کتاب همانند خیل کثیری از قرآن‌های مترجم و تفسیرهای فارسی به‌جامانده از سده‌های اولیه تا قرن هشتم هجری که به‌صورت آسیب‌دیده و ناقص در گوشه و کنار ایران و جهان وجود دارند این بوده که از مترجم و کاتب آن هیچ نام و نشانی در دست نداشته باشیم چرا که در سنت کتابت نسخه‌ها چنین مرسوم بود که اطلاعاتی مانند نام کتاب، نام نویسنده و نام سفارش‌دهنده نسخه را در «پشت» نسخه بنویسند. پشت نسخه، یک و گاهی دو برگ نخستین نسخه بود (صفری‌آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۲۶۵). متأسفانه آغاز و انجام تقریباً تمام - جز تعدادی انگشت‌شمار- قرآن‌های مترجم فارسی افتاده است و به همین علت رد و نشانی از نویسندگان و تاریخ نگارش آنها در دست نیست.

۳-۳. تاریخ ترجمه قرآن ۳۹۹۷

پیش از این اشاره کردیم که اول و آخر نسخه حاضر افتاده است و به همین دلیل نشانی از کاتب، نویسنده و زمان نگارش اثر در دست نداریم. با این همه بر اساس ویژگی‌های سبکی (بای بیان شرط و آرزو؛ آوردن فعل معلوم در معنی فعل مجهول؛ الف پایان فعل در فعل‌های امر، مضارع التزامی، فعل نهی؛ استفاده از ضمائر

او/وی برای اشاره به غیر عاقل غیر جاندار؛ استعمال پیشوند نفی پیش از جزء اول فعل مرکب)، زبانی (تطابق عدد و معدود؛ تطابق شمار صفت و موصوف؛ استفاده از ضمیر پرسشی أ) و واژگانی (استفاده از واژگانی مانند فعل گرایستن و مشتقات آن؛ کوکیدن؛ سازواری و دشمنابگی) که پس از این خواهد آمد می‌توان گفت قرآن مترجم ۳۹۹۷ اثری متعلق به قرن ششم هجری است.

۳-۴. روش ترجمه

مترجم قرآن ۳۹۹۷ متن قرآنی را کاملاً تحت‌الفظی با حفظ تمام ویژگی‌های متن عربی ترجمه کرده است کاتب برای نشان دادن این امر، هر واژه فارسی را زیر واژه عربی آورده است. این پای‌بندی مترجم به متن عربی تا جایی است که متن ساختاری عربی دارد. دکتر خانلری درباره این امر می‌گوید: «در ترجمه آیات قرآن مجید، شاید در اثر دقت و احتیاطی که مترجمین در نقل عین آیات از عربی به فارسی داشته‌اند گاهی صیغه‌های صرف فعل و ساختمان جمله را عیناً مطابق اصل عربی آورده‌اند که خلاف روش فارسی است و نظیر آنها در مواردی که عبارت ترجمه لفظ به لفظ نیست به ندرت دیده می‌شود» (ناتل خانلری، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

ای مردمان بترسید از پروردگار شما آنک آفرید شما را از تنی یگانه (۹۹).

یاد کردن بخشودن پروردگار تو بنده خود را زکریا (۳۹۵).

پس گفتیم ای آدم هرآینه این دشمن است مر ترا و زن ترا، پس نه بیرون کند شما را از بهشت (۴۱۶).

مترجم در کل متن غیر از مواردی که معنی کلمه‌ای را توضیح داده، چیزی از خود بر متن ترجمه نیفزوده است:

پس وای مر آنانرا که کافر شدند از حاضر آمدن روز بزرگ یعنی قیامت (۳۹۸).

مانند آنانک کافر شدند همچو مانند آنست نعره می‌زند به آنچه نشنود - آن کس یعنی مشرکان بت را

می‌خوانند - مگر خواندنی (۳۱).

مترجم از آوردن کلمات مرسوم عربی در متن خودداری نکرده است و حتی گاه کلمات فارسی و عربی را

با هم ترکیب کرده و ترکیب جدید را معادلی برای یک واژه قرآنی قرار داده است:

الحجّ: پس روزه دارد سه روزها در زیارة‌خانه (۳۷).

۳-۵. برخی ویژگی‌های رسم‌الخطی**۳-۵-۱. شیوه ضبط گ، چ، پ، ژ**

کاتب در تمام متن حروف «گ، پ و چ» را به شکل «ک، ب، ج» نوشته است. حرف «ژ» در تمام متن همه جا با سه نقطه آورده شده است.

از آنجا که کاتب سرکش گاف را در متن به صورت کاف ضبط کرده است برای تمایز گم و کم، واژه «کم» را در تمام متن حرکت‌گذاری کرده است:

تا پاکیزه کند خدای آنانک گرویدند و کم کند کافران (۸۷).

از آنچه کم شد ازوی یا بسیار بهره‌ای پیدا کرده‌ای (۱۰۰).

۳-۵-۲. ضبط همزه میانی در کلمات مرکب

همزه در کلمات مرکبی که حرف آغازین جزء دوم ترکیب است همواره حفظ شده است:

نیست خدای بی‌آگاه از آنچه می‌کنید (۱۴)

جز در واژه «سرنجام» که به صورت «سرنجام»:

نمی‌داند سرنجام وی مگر خدای و استواران در دانش (۶۴).

۳-۵-۳. رعایت تشدید

هرکه مبَدَل کند کفر را به ایمان پس به درستی گم شد (۱۹).

ببَرَد گروهی را از آنانک کافر شدند (۸۵).

۳-۵-۴. ذال معجمه

ذال معجمه، ذالی است که مخصوص واژه‌های فارسی است. این ذال در آغاز هیچ واژه فارسی نمی‌آید؛ به عبارت دیگر هیچ واژه فارسی‌ای با ذال شروع نمی‌شود؛ این ذال یا در آخر یا در میانه کلمه فارسی می‌آید برخلاف ذال عربی که در آغاز، میان و پایان کلمه به‌طور یکسان می‌آید (احمد، ۱۳۵۰: ۱۹). قاعده «ذال» فارسی در این اثر فقط در دو کلمه «خدا و جدا» در تمام متن رعایت شده است. در موارد کمی «ذ» پایانی افعال نیز رعایت می‌شود:

ای آنانک گرویدید مباشید همچو آنان که کافر شدند (۹۱).

۳-۵-۵. اسم‌های علم عربی

اسم‌های علم عربی همگی با کتابت عربی نوشته می‌شوند:

پیرستیم خدای ترا و خدای پدران ترا ابرهیم و اسمعیل و اسحق (۲۴).

۳-۵-۶. «ه» پسوند فاعلی

«ه» پسوند فاعلی هنگام جمع بستن واژه، حفظ می‌شود:

پس بفرستاد خدای پیغامبران بشاره‌دهنده گان و بیم‌کننده گان و فرستاد با ایشان کتاب به راستی تا

حکم کند میان مردمان (۴۰).

۳-۵-۷. یای میانجی نشانه اضافه

برای نشان دادن یای میانجی نشانه اضافه، به جای «ی»، «ی» می‌آید. این استعمال «ه» برای نشان دادن

اضافه، در متن‌های دیگر نیز سابقه دارد:

بینند وادی دوزخ را مگر آنان که توبه کردند و گرویدند و کردند نیکیها (۴۰۱).

بوستانها باشیدنی آنک وعده داد (۴۰۱).

۳-۵-۸. چه/ک

«چه» در تمام موارد به کلمه پیش از خود متصل و «ه» پایانی آن حذف شده است:

نیست خدای بی‌آگاه از آنچه می‌کنید (۱۴).

جز در برخی موارد:

گرویده بهتر از مشرک و اگرچه خوش آید شما را این گروه (۴۳).

لازم است ذکر شود در مواردی که «چه» ضمیر استفهام باشد به صورت کامل و جدا نوشته می‌شود:

پس چه چیز صابر گرداند ایشان را بر آتش (۳۲).

«که» هر گاه موصول باشد به صورت منفصل نوشته می‌شود:

ای آنانک گرویدید مگوید که نگه دار حق ما (۱۸).

«هرکه» در تمام موارد به صورت کامل نوشته می‌شود:

از بی‌راهی پس هرکه نگرودید به بت و گروید به خدای (۵۴).

«هرکه» هرگاه با «را» بیاید متصل نوشته می‌شود:

راه نماید هر کرا خواهد به راه راست (۲۶).

«چه» در چند مورد به صورت «چی» نوشته شده است:

گفتید دل هاء ما پوششی است نه چی لعنه کرد ایشان را (۱۵).

۳-۵-۹. فعل منفی

در فعل‌های نفی، در تمام موارد نون نفی به صورت «نه» نوشته می‌شود. اگر فعل مرکب یا پیشوندی باشد

«نه» پیش از پیشوند یا جزء اول فعل آورده می‌شود:

نه فرستاده شد (۱۷)

نه شکر کنند (۵۰).

۳-۵-۱۰. فعل نهی

در تمام موارد فعل نهی پیشوند «م» پیوسته نوشته می‌شود:

مگیرید (۴۹)

به‌ندرت پیشوند نهی به صورت جدا آمده است:

و مه گذرید از حد در وی تا واجب نشود (۴۱۱).

۳-۵-۱۱. تائید عربی

تمامی کلمات عربی مختوم به «تای» گرد، با صورت عربی خود در متن آمده‌اند:

زیارة‌خانه (۳۷)

بشارة (۴۰۴)

۴. فواید واژگانی

یکی از مهم‌ترین اهمیت‌های قرآن‌های مترجم اشتغال آنها بر واژه‌های اصیل فارسی است زیرا همان‌گونه

که پیش از این نیز گفته شد مترجمان پیشین قرآن، در یافتن برابرنهادهای دقیق به فارسی کوشش فراوان

می‌کردند و اگر از واژه‌ای عربی در متن ترجمه خود استفاده می‌کردند عموماً در جهت ترکیب‌سازی بوده است. متن قرآن ۳۹۹۷ نیز سرشار از واژگان فارسی است که بخشی از آن در زیر برای نمونه آورده می‌شود:

واژه قرآنی	برابرنهاد فارسی	واژه قرآنی	برابرنهاد فارسی
فَحَمَلَتْهُ	با بار شد	صَفَاً	شمارگاه
شَقِيثًا	رنج‌بیننده	العَيْنِ	پشم واخیده
عَيْثًا	بخشک شدن	إِهْتَدَى	راه گرفت
عَدِنٍ	باشیدنی	عَاكِفِينَ	در مسجد نشینندگان
رِكْزًا	شرفه‌ای	خَالِدِينَ	جاویدانه
تَمَتُّوا	آرزو ورید	فَعَوَى	در رنج شد
لَا تَقْتَرُوا	برمبافید	لَا تَزْكُضُوا	می‌کوکند فکر برید
خَنيفًا	گرایسته از کیش‌ها بد	كَالْمُعَلَّقَةِ	نه‌باشوی و نه‌بی‌شوی
سَفِيرٍ	سرراه	ابن السبيل	راه‌گذری
نُزُلًا	جای فرودآمدن	لَا كَفْرًا	درگذارم
مَسَاكِينٍ	جای بانسش	إِسْرَافًا	گزارف‌کاری
مُبَارَكٌ	افزونی	فَلْيَسْتَعْفِفْ	نهفتگی کند
مُنْكَرُونَ	ناشناخت‌آورنده‌گانید	لِلذَّكْرِ	مردینه‌ای
كُتِبُوا	به روی درفکنده شوند	الْأُنثِيِّنَ	دو دخترینه
يَحْرَبُهُمْ	انده‌گر کندشان	فَرِيضَةً	پیدا کرده
أَلْيَتَامَى	بی‌پدران	تَرْكُمُ	ماندید
نَخْلَةً	دهشی	عَاشِرُوهُنَّ	سازواری کنید
فَخَارَ	سفار	وَكَيْلًا	کارران
بَغِيًّا	بلایه‌کار	صَابِرًا	شکبیید
مُنَادِيًا	خواننده‌ای	عَزْمٍ	گرایستن
أُمَّتَهُ	بی‌بیمی	ذُو فَضْلٍ	با افزونی

۵. ویژگی‌های زبانی و سبکی

زبان و ویژگی‌های سبکی قرآن ۳۹۹۷ همانند قرآن ماوراءالنهری ۹۹۹ و تفاسیر ماوراءالنهری مانند تفسیر نسفی اثر عمر بن محمد نسفی (۴۶۲-۵۳۸ هجری) و لطایف‌التفسیر اثر خواجه امام محمد درواجکی

(نوشته شده در ۵۱۹ هجری) است. بخشی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی و سبکی این قرآن به این شرح است:

۵-۱. فعل

۵-۱-۱. ساخت فعل مجهول

در نسخه مورد بحث ما مجهول کردن فعل به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف) صفت مفعولی + شدن

اُپس اگر بمرد یا کشته شد برگردید بر پاشنه‌های شما (۸۸) در ترجمه: أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ (آل عمران، ۱۴۴).

ب) ترجمه فعل معلوم عربی به فعل مجهول فارسی

این ساخت در تفسیر نسفی نیز و بسیاری از متون کهن فارسی دیده می‌شود. جوینی درباره این امر در تفسیر نسفی چنین آورده است: «گاهی می‌بینیم که مؤلف فعل مجهول فارسی را در ترجمه فعل عربی معلوم به کار برده است. این طرز استعمال یعنی جانشین کردن فعل مجهول به جای فعل معلوم، گویا مربوط به لهجه مشرق و شمال خراسان بوده است» (نسفی، ۱۳۹۰: بیست و هفت).

ای آنانک گرویدید اگر فرمان برید آنان که کافر شدند بازگردانیده شوند شما را (۸۹) در ترجمه: إِنَّ تُطِيعُوا اللَّهَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ (آل عمران، ۱۴۹).

۵-۱-۲. فعل منفی

الف. استعمال پیشوند نفی پیش از جزء اول فعل مرکب

بترسد از خدای پروردگار خود و نه کم کند از وی چیزی و اگر بود آنک بر وی است حق نادان (۶۱).
پس اگر ترسید که نه راستی و عدل کنید پس یکی خواهید یا آنچه پادشا شد دست‌های شما (۹۹).
اگر دانند آنانک کافر شدند هنگامی نه بازدارند از روپهای ایشان آتش و نه از پشت‌های ایشان و نه ایشان زمان داده شوند (۴۲۲).

نه به ستوه مانید که بنویسید آن را اندک یا بسیار تا وقت نام‌برده اینتان (۶۱).

ب. استعمال پیشوند نفی پیش از پیشوند فعل پیشوندی

اگر بودندی اینها خدایان یعنی بتان نه درآمدندی به وی یعنی به دوزخ (۴۲۸).

۵-۱-۳. الف پایان فعل

آمدن این الف در پایان برخی افعال در متون کهن بی‌سابقه نیست. عده‌ای این الف را ویژگی‌ای کتابتی می‌دانند و آن را «الف کوفی» می‌نامند. اما با توجه به قاعده‌مند بودن استفاده از این الف، می‌توان یقین داشت که این الف ویژگی‌ای زبانی است نه کتابتی. ردپای این الف را می‌توان در ترجمه‌های قرآن ماهان (۱۳۸۳: ۲۷)، تفسیر کمبریج (۱۳۴۲: شصت و دو)، قرآن شماره ۹۹۹ و قرآن شماره ۲۰۴۶ آستان قدس رضوی نیز دید.

البته باید توجه داشت که این الف، با الف زینت که ویژگی‌ای کتابتی است و در کلمات مختوم به «و» می‌آید تفاوت دارد (درباره این الف زینت نک. مقدمه محمدجعفر یاحقی بر تفسیر شنقشی، ۱۳۵۴: بیست‌ویک).

الف. پایان فعل نهی

پس مگرداندا تو را هرآینه هرآینه از وی آنک نگرود به وی و در پی رفت کام دل خود را تا هلاک شوی (۴۰۶)

ب. پایان فعل مضارع التزامی

نه سرباز زند نویسنده که بنویسد چنانک بیاموزانید او را خدای پس بنویسد و برگوید آنک بر وی باشد حق دادنی (۶۱).

هر که بود درویش پس بخوردا به نیکویی پس چون بدهید به ایشان مال‌های ایشان (۱۰۰).

پ. پایان فعل امر

پس اجابت کنیدا مرا و بگرویدا به من تا مگر شما راه یابید (۳۵).

ردپای این الف تا قرن هفتم و عموماً در آثار متعلق به حوزه فرارود دیده می‌شود. برای مثال از این الف پایان فعل در موارد بسیاری در فنیه المئیه لتتمیم الغنیه استفاده شده است: قال لها: زن من باش، فقالت: باشیذه گیرا (زاهدی، نسخه ۲۳۴۸، برگ ۶۶).

۵-۲. صفت

۵-۲-۱. استفاده از پیشوند «بی» برای صفت‌سازی

مترجم تقریباً در تمام متن برای منفی کردن صفت از پیشوند «بی» استفاده می‌کند:

نیست خدای بی آگاه از آنچه می‌کنید (۱۴)

نویسنده برای صفت‌سازی از پیشوند «نا» نیز بسیار استفاده کرده است:

ایشان گفتند نیست بر ما در نانویسنده گان راهی (۷۶).

خدای مژده می‌دهد ترا به یحیی راست‌گوی دارنده به کلمه‌ای از خدای و مهتر و نازاینده و پیغامبری از نیکان (۷۰).
مباش از بهر ناراستان پیکارکش و خصومت‌کننده (۱۲۱).

۵-۲-۲. ساخت صفت فاعلی با «اسم/صفت + کننده»

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی قرآن مترجم ۳۹۹۷ ساخت صفت‌های معادل واژگان قرآنی با استفاده از الگوی اسم/صفت+کننده است، این ساخت که پرسامدترین ساخت در ترجمه ۳۹۹۷ است تقریباً در تمامی صفحات این ترجمه دیده می‌شود:

هرآینه من نه ضایع کنم کردار کارکننده‌ای از شما از مرد یا زن (۹۷) در ترجمه «عامل».

هرآینه ما فرستادیم ترا به راستی بشاره‌دهنده و بیم‌کننده (۲۱) در ترجمه «نذیر».

هرآینه خدای دوست دارد توبه‌کننده‌گان را و دوست دارد پاکی‌کنندگان را (۴۴) در ترجمه «متطهرین».

۵-۳. مفعول مطلق

یکی از ویژگی‌های زبانی مهم قرآن مترجم ۳۹۹۷ استفاده از ساخت «مصدر+ی» برای ساخت معادل واژه مفعول مطلق عربی و تأکید بر مفهوم فعل جمله است. عده‌ای از دستورنویسان وجود این ساخت را ناشی از تأثیرپذیری زبان فارسی از زبان عربی می‌دانند (خیام‌پور، ۱۳۵۲: ۹۲ و ۹۳؛ فرشیدورد، ۱۳۶۷: ۱۵۷)؛ اما زبان‌شناسان و محققان زبان‌های ایرانی، سابقه استفاده از مفعول مطلق در فارسی را به فارسی میانه و حتی زبان اوستایی می‌رسانند و نمونه‌هایی از ساخت مفعول مطلق برای تأکید بر معنی فعل جمله را از این زبان‌ها نقل می‌کنند (نک. مولایی، ۱۳۸۱: ۹۸).

اُ نه دیدی که هرآینه ما بفرستیم دیوان را بر کافران می‌انگیزندشان انگیختنی (۴۰۳).

میل کنید میل‌کردنی بزرگ (۱۰۷).

هرآینه هرآینه باز به باد بردهمش در دریا به باد بردادنی (۴۱۳).

۵-۴. ضمیر

۵-۴-۱. ضمیر پرسشی اُ

یکی از نشانه‌های نادر و متروک استفهام در زبان فارسی «او» است که کاتبان آن را به سه شکل «او، اُ، و» ضبط کرده‌اند و به احتمال قوی هر سه ضبط به صورت مصوت کوتاه «O» یا واو مجهول «Ō» ادا می‌شده و تلفظ آن امروز به صورت «O» درست است (متینی، ۱۳۵۱: ۱۹۲).

هر آینه خدای بر هر چیزی تواناست اُ نه‌دانی هرآینه خدای مرو راست پادشاهی آسمان‌ها (۱۹).

اُ یاد نمی‌کند آدمی که چگونه آفریدیم او را از پیش و نه بود (۴۰۲).

این ساخت در تفسیر کمبریج و تفسیری بر عَشْری از قرآن نیز دیده می‌شود:

اُو نمی‌بینند که چند ناچیز کردیم پیش از ایشان از گذشتگان (تفسیر کمبریج، ۱۳۴۹، ج ۱ / ۶۳۹).

اُو ننگری یا محمد این کس را که ناخستون است به کتاب ما (تفسیری بر عَشْری از قرآن، ۱۳۵۲: ۸۴).

۵-۴-۲. استفاده از ضمیر «او/وی» برای غیر عاقل و غیر جاندار

ملک الشعراء بهار دربارهٔ اختصاص ضمیر «او/وی» به جانداران و اختصاص ضمیر «آن» به غیرجانداران می‌گوید: «اینکه گویند او ضمیر متعلق به غیر ذوی‌العقول است اشتباه است... آن ضمیر اشاره یا اسم موصول است و گاهی هم عامل اشارهٔ وصفی است و هر جا اقتضا کند درآید خواه مرجع آن دارای عقل و خواه جز آن باشد، ولی ضمیر مفرد مغایب همه جا او است خواه در عاقل و خواه در غیر عاقل و خواه ذوی‌الارواح و خواه غیر او» (بهار، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۷۸).

کراهت دارید چیزی را و او بهتر باشد مر شما را و شاید که دوست دارید چیزی را و او بتر باشد مر شما را (۴۱).

پوشید او را شمار کند شما را به وی خدای پس بیمارزد مر آن را که خواهد (۶۲).

گفت مر کسان خود را درنگ کنید هرآینه من دیدم آتشی مگر من بیارم برای شما از وی پاره‌ای (۴۰۵).

۵-۴-۳. ضمائر متصل

الف. اتصال ضمائر شخصی متصل به فعل

ضمائر شخصی متصل در جمله یا مفعول‌اند و یا مفعول با واسطه‌اند و یا مضاف‌الیه (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳:

۱۳۰). این ضمائر اگر مفعول باشند پس از فعل و اگر مفعول با واسطه باشند پس از حروف اضافه می‌آیند. در

متن ترجمهٔ قرآن ۳۹۹۷ تقریباً تمامی ضمائر شخصی متصل از نوع مفعولی و چسبیده به فعل‌اند:

و نه کشتند او را و نه بر دار کردندش (۱۳۱).
 و می‌پرسندت در زنان بگو خدای فتوی می‌دهد تان در ایشان (۱۲۵).
 چون الهام دادیم به مادر تو آنج الهام داده شود که اندازش در تابوت پس اندازش در دریا (۴۰۷).
 بدرستی و راستی دانستشان و بشمردشان شمردنی (۴۰۴).
 هرآینه بر دار کنمتان (۴۱۰).

ب. حذف «ی» میانجی ضمائر متصل «شان و تان» هنگام اضافه شدن این ضمائر به واژگان مختوم به الف

ضمیر متصل «-تان» بازمانده «tān» و «-شان» بازمانده «šān» فارسی میانه است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۷ و ۱۲۸). اگر پیش از «تان» و «شان» مصوت بلند «آ» یا «او» بیاید، صامت میانجی «ی» میان ضمیر متصل و مصوت بلند «آ» می‌آید. همچنین ممکن است این صامت میانجی آورده نشود (همان، ۱۲۸). در نسخه مورد بحث ما نیز در تمام مواردی که ضمیر متصل «تان / شان» به واژه‌ای مختوم به مصوت بلند «ā» اضافه شده، «ی» میانجی نیامده است:

هر کجا باشید پس بگردانید روی هاتان را سوی او (۲۷).
 هرآینه بزم هرآینه هرآینه دست هاتان را و پای هاتان را از چپ و راست و هرآینه بر دار کنمتان (۴۱۰).
 پس بایستند گروهی ازیشان با تو و بگیرند سلح هاشان (۱۲۰).

۵-۵. حرف اضافه و وند

حرف‌ها تکواژها یا واژه‌هایی هستند که معنی مستقلی ندارند و فقط برای پیوند دادن اجزای جمله یا جمله‌ها به یکدیگر یا نسبت دادن کلمه‌ای به کلمه یا جمله‌ای به کار می‌روند (انوری و گیوی، ۱۳۸۵: ۲۴۸). در ترجمه قرآن ۳۹۹۷ از حروف به‌طور گسترده‌ای استفاده شده است. گرچه در این ترجمه از حروف اضافه ساده استفاده زیادی شده است اما ویژگی سبکی و زبانی مهم این ترجمه، استفاده فراوان و متنوع از حروف اضافه مرکب است. بخشی از حروف مرکب مهم به‌کاررفته در این اثر عبارت‌اند از:

جز از

می‌کردند کردار جز از این کارهای دیگر و بودیم مر ایشان را نگاه‌دارندگان (۴۲۶).

ازجز

به درستی گمراه شد گم‌شدن دور اگر خوانند ازجز او (۱۲۳).

پس عذاب کندشان عذابی دردناک و نه‌یابند مریشان را ازجز خدای دوستی (۱۳۱).

به‌جز

زود بود بنویسیم آنچه می‌گویند و کشتن ایشان پیغامبران را به‌جز راستی (۹۵).

نه‌جز

گفت نه‌جز درنگ کردی صد سال پس بنگر به خوردنی تو و آشامیدنی تو (۵۵).

ازهیچ

نیست مر ترا از خدای ازهیچ دوستی و نه یاری کننده‌ای (۲۲).

ازپس

یاری کنندتان ازپس وی و بر خدای پس اعتماد کنندا گرویده‌گان (۹۱).

گفت خدای پس هرآینه ما بدرستی آزمودیم گروه ترا ازپس تو و گمراه کردشان (۴۱۱).

۵-۶. انواع «ی»

۵-۶-۱. بدل از کسره اضافه

در برخی از متون کهن منثور کسره اضافه میان مضاف و مضاف‌الیه به صورت «ی» نوشته می‌شد. علامه دهخدا درباره این کسره می‌گوید: «در رسم‌الخط و املائی قدیم برخی از کتاب‌ها، ی عوض کسره اضافه آورده‌اند: دری شارسرستان بگشادند (تاریخ سیستان، ۲۸۴)، یعنی در شارسرستان. و نگاهبان به سری قلعه برآمد (همان، ۲۹۹)، به جای به سر قلعه. و هر کسی سری خویش همی‌گرفت (همان، ۲۷۹)، به جای سر خویش» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «ی» به نقل از فرهنگ آندراج). اما خانلری معتقد است که کتابت «ی» بدل از کسره اضافه، نشانه آن است که تلفظ این ی به تلفظ یای نکره بسیار نزدیک است. گرچه در برخی نسخه‌های کهن یای نکره در کتابت حذف شده و به جای آن گاهی کسره آورده‌اند. این خود تأییدکننده نزدیکی تلفظ یای نکره و کسره اضافه است (ناتل خانلری، ۱۳۶۶، ج ۳: ۱۶۳). در متن قرآن ۳۹۹۷ اشباع کسره اضافه به‌وفور دیده می‌شود تا جایی که می‌توان این امر را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی این قرآن دانست.

آنست می‌فروشد تتی خود جستن خشنودی خدای را (۳۹).

۵-۶-۲. در بیان شرط

ساخت فعل شرط پس از حرف شرط «اگر»، چنین است: «فعل + ی» که در اغلب موارد فقط به فعل شرط «ی شرط» افزوده شده است و افزودن «ی» به فعل جواب شرط در موارد اندکی رعایت شده است: نافرمانی کردند پیغامبر را اگر برابر **کرده شدی** به ایشان زمین (۱۰۹).
اگر نه سخن استی که پیش رفت از پروردگار تو **بودی** برجنبنده پیوسته (۴۱۷).
و اگر نه دور کردن خدای **بودی** آدمیان را برخی ایشان را به برخی هر آینه تباه **شدی** زمین (۵۲).

۵-۶-۳. در بیان آرزو

«این یاها در فعلی آید که پیش از آن در جمله لفظ کاش و کاشکی و بود و باشد و بو و افتد و شود و امثال آن آمده باشد» (بهار، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۴۸). ساخت فعل آرزو چنین است: «کاشکی + فعل + ی». این ساخت تقریباً در تمام متن رعایت شده است:
آرزو برند بسیاری از کسان کتاب که کاشکی **بازگردانیدی** شما را از پس گرویدن شما (۱۹).
گفت مریم ای کاشکی **بمردمی** پیش ازین و **بودمی** رکوی حیضی فراموش کرده (۳۹۷).

۵-۷. انواع الف**۵-۷-۱. الف کثرت**

پسوند الف در موارد متعددی به کار می‌رود و برخی از ساخت‌های معروف حاصل از آن در زبان فارسی عبارت‌اند از: در بیان کثرت و مبالغه، صفت لیاقت، صفت فاعلی و صفت مفعولی (انوری و گیوی، ۱۳۸۵: ۲۸۱). در قرآن ۳۹۹۷ در چند مورد ساخت مفاد کثرت این الف آمده است:
چندا از پیغامبری که کارزار کردند با او مردان خدای بسیار (۸۱).

۵-۷-۲. الف تفخیم پس از صفت

پاکا پاک می‌گویم (۳۹۸).

۵-۸. استعمال «مر ... را»

در متن ترجمه قرآن ۳۹۹۷، در موارد بسیاری از «مر... را» برای بیان اختصاص یا به عنوان نشانه مفعول استفاده شده است. با این همه، این ویژگی در تمام رعایت متن نشده است و در موارد بسیاری، مفعول بدون حرف «مر» آمده است یا اختصاص فقط با حرف «را» بیان شده است:

۵-۸-۱. رای مفعولی

بگو اگر بود مر شما را سرای آخره نزدیک خدای خاص بی‌انبازی ازجز مردمان پس آرزو برید مرگ را (۱۶).
شکر کنید مر خدای را اگر هستید او را می‌پرستید (۳۱).

۵-۸-۲. رای بیان تخصیص

مر ما راست کردارها ما و مر شما را است کردارهای شما و ما مرورا مخلصانیم (۲۴).
این مر آن را است ترسد از پلیدکاری از شما (۱۰۶).
مر و را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است (۴۰۵).
در تمام متن، «مر» به همراه «را» نیامده است، گاهی «مر» حذف شده است:
بمانم [مر] ستمکاران را دران دوزخ برابر درآمده‌گان (۴۰۲).
و گاهی نیز هم «مر» و هم «را» حذف شده‌اند:
ببخشای ما را تویی خدای ما پس یاری کن [مر] ما [را] بر گروه ناگرویدگان (۶۲).
صدیقیان در ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم ضمن بررسی شیوه‌های ظهور حرف «رای» نشانه مفعول، شواهدی از حذف «مر و را» نشانه مفعول در برخی از متون این دوره را ذکر کرده است:
«ما این نیشابور شنیده بودیم (بی‌هقی)؛ او، آن ویران نیارد کرد (تاریخ سیستان)؛ اندر هفته دو روز بیماران را اندر آنجا برند و آن بفرمایند زدن (کشف‌المحجوب)» (صدیقیان، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

۵-۹. کاربرد حروف در معنی دیگر

یکی از ویژگی‌های زبانی این ترجمه، کاربرد برخی از حروف اضافه در معنی‌ای غیر از معنی رایج خود است که البته این کاربردها خاص این اثر نیست و شواهد بسیاری از این موارد در متن‌های هم‌دوره آن دیده می‌شود:

«هر همه» به معنی «همه»

و گروه‌دهگان هرهمه گرویدند به خدای و فریشتگان او (۶۲).

«به» در معنی «با»

خدای عهد کرد به ما که نگریم مر پیغامبران را تا بیاورد ما را قربانی بخورد او را (۹۵).

«با» در معنی «به»

نزدیک مشوید یا ایشان تا پاک شوند پس چون پاک شوند پس بیاید به ایشان (۴۳).

«نی» به جای «نه»

نی ترسیست بریشان و نه ایشان اندوه‌گین شوند (۶۰).

۵- ۱۰- تأثیرپذیری از نحو عربی

۵- ۱۰- ۱. مطابقت صفت و موصوف در شمار

در فارسی برخلاف عربی صفت و موصوف معمولاً در جنس و شمار باهم تطابق ندارند. اما در قرآن مترجم

۳۹۹۷ تحت تأثیر نحو عربی، مطابقت صفت و موصوف در شمار رعایت شده است:

پس فرستاد خدای پیغامبران بشاردهندهگان و بیم‌کنندهگان و فرستاد با ایشان کتاب (۴۰).

۵- ۱۰- ۲. مطابقت عدد و معدود

یکی دیگر از نشانه‌های تأثیرپذیری متن مترجم از نحو قرآنی، مطابقت عدد و معدود است که این ویژگی در

تمام متن رعایت شده است:

پس هرکه نیافت پس روزه دارد سه روزها در زیارة‌خانه و هفت چون بازگردید این ده تمامست این مر

آنکس راست نبود (۳۷).

چشم دارند به تن‌های خویش چهار ماهها و ده روز پس چون برسند زمان‌زده ایشان پس نه (بزه) بر

شما (۴۸).

گفت نشان تو آنست که سخن نگویی با مردمان سه شبها (۳۹۶).

۵- ۱۰- ۳. تأکید مؤکد

در متن قرآن مترجم ۳۹۹۷ هم تأکید معمول را داریم و هم تأکید مؤکد. تأکید مؤکد اغلب هنگامی که نون تأکید ثقیله به فعلی اضافه شود به کار برده شده است:

پس مگرداندا تو را هرآینه هرآینه از وی آنک نگرود به وی و در پی رفت کام دل خود را تا هلاک شوی (۴۰۶) در ترجمه «فَلَا يَصُدُّكَ» (طه، ۱۶).

پس اگر بینی هرآینه هرآینه از آدمی کسی را پس بگوی هرآینه من نذر کردم (۳۹۷) در ترجمه «تَرِيْنٌ» (مریم، ۲۶).

۶. توصیف دستگاه آوایی و فرایندهای آوایی

زبان فارسی دنباله فارسی میانه زردشتی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۲۸۵) که تاکنون سه دوره مهم تحولی را پشت سر گذاشته است که در هریک از این دوره‌های زبانی از سه جهت صرفی و نحوی، آوایی و واژگانی دگرگون شده است. دگرگونی‌های آوایی فارسی از دوره باستان تا جدید شامل: حذف مصوت‌های پایانی، حذف هجای پایانی، تبدیل گروه‌های آوایی به یک مصوت کشیده، حذف برخی واج‌های سازنده واژه، حذف دو صامت آغازین، تبدیل برخی واج‌ها به واجی دیگر است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۲۷). همه این تغییرات آوایی را فرایندهای آوایی می‌گویند (حق شناس، ۱۳۷۱: ۱۴۷).

۶- ۱. ادغام واجی

۶- ۱- ۱. ادغام در واژه «سخت‌تر» و تبدیل آن به «سخت‌تر»

این پدیده که در زبان‌شناسی به sandhi معروف است عبارت است از ادغام واج یا حرف آخر یک کلمه در واج یا حرف اول کلمه بعد وقتی که آن دو کاملاً یا تقریباً از یک جنس باشند. شرط پدید آمدن این امر آن است که دو کلمه باهم ارتباط نزدیکی داشته باشند، به همین دلیل جوش خوردگی یا ادغام در مورد دو جزء کلمات مرکب بیشتر رخ می‌دهد (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۶۱) در کلمه «سخت‌تر» دو واج «ت» با یکدیگر ادغام شده‌اند و یکی از واج‌های «ت» حذف و به «سخت‌تر» تبدیل شده است.

آن‌انک گرویدند سخت‌راند دوستی مر خدای را (۳۰).

خدای سخت‌ر به عذاب و سخت‌ر و بند کردن (۱۱۶).

در این ترجمه قرآن بارها از کلمه «بتر» استفاده شده است. این واژه که ظاهراً مأخوذ از ریشه vata فارسی باستان است در فارسی میانه به صورت wattar در آمده است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۴۲۳). بنابراین ممکن است در واژه «بتر» ادغام واجی رخ نداده باشد و از صورت کهن آن استفاده شده باشد: کراحت دارید چیزی را و او بهتر باشد مر شما را و شاید که دوست دارید چیزی را و او بتر باشد مر شما را (۴۱).

۶-۲. حذف واجی

حذف یکی از فرایندهای واجی رایج در زبان هاست که در آن یک یا چند مشخصه آوایی در یک موضع مشخص (آغاز، میانه یا پایان واژه) حذف می شود (حق شناس، ۱۳۷۱: ۱۵۷). در یک مورد در متن «هماره» به صورت «هماره» آمده است که در آن واج «و» حذف شده است: پس هماره این خواندن ایشان بود تا کردیمشان دروده فرو مرده گان (۴۱۹). صورت فارسی میانه این واژه hamvāarak است (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۹۰۳).

۶-۳. تخفیف / کاهش واجی

مهم ترین نمونه کاهش واجی یا تخفیف، تبدیل مصوت بلند «ی» به مصوت کوتاه «ِ» است که یکی از موارد آن در این متن در واژه «اندوهگن» دیده می شود که واژه در متن به صورت «اندوهگن» آورده شده است: پس پاداش دادتان اندهی با اندوهی تا نه اندوهگن شوی برآنج درگذشت از شما (۸۹).

۶-۴. ابدال

ابدال یکی از انواع فرایندهای آوایی است. «هنگام پیوند تکواژها برای ساختن واژه‌ها، گاهی واج آغازی یا پایانی تکواژها یا یکی از مصوت‌های هجاهای مجاور در محل پیوند تکواژها، تغییر می کند و به صدای دیگری تبدیل می شود؛ به این گونه تظاهر آوایی که یک واج به صورت صدای دیگری ظاهر می گردد، ابدال گفته می شود» (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۷۷: ۲۴۶). در متن قرآن مترجم ۳۹۹۷ دو واژه دچار فرایند ابدال شده اند:

«سازواری»

صورت رایج این واژه «سازگاری» است. در صورت کم کاربردتر «سازواری» ابدال واج «گ» به «و» رخ داده است که این شکل از ابدال از دوره فارسی باستان تا دوره فارسی جدید امتداد دارد (باقری، ۱۳۸۰: ۲۲۵):

چون بودید دشمنان پس سازواری داد میان چشمان دل‌ه‌ا ش‌ما پس شدید به نیکویی وی برادران (۸۱).

«دشمن‌اوی»

مینوی «دشمن‌اوی» را صورت دگرگون‌شده و ابدالی «دشمن‌یادیه» فارسی میانه دانسته است. پس از این احتمالی دیگر را مطرح کرده است که ممکن است دشمن‌اوی از صورت قدیم‌تر دشمن‌یاو باشد (مینوی، ۱۳۳۴: ۱۷۸). ادیب کرمینی (۱۳۸۵، هشتاد و دو) درباره ابدال دشمن‌اوی / دشمن‌ادگی / دشمن‌اوی می‌گوید: «به گمان ما واژه دشمن‌ادگی مرکب است از دشمن + ده + ی که بارها و بارها در ترجمه‌های قرآنی به کار رفته است. دشمن‌اوی نیز می‌تواند با یک دگرگونی آوایی د/ی همین واژه باشد».

به نظر می‌رسد که هر دو صورت دشمن‌اوی و دشمن‌یادگی از صورت (dušmanāgīh) می‌آیند. ساخت این واژه به این شکل است. (dušman + āg + īh): پسوند حاصل مصدر ساز (īh-) در فارسی میانه مانوی نیز به صورت (ī-) ظاهر شده است و در فارسی نو نیز همین صورت را می‌بینیم، اما (dušmanāg) در فارسی میانه متأخر با تبدیل انسدادی واگذار g به y شکل (dušmanāy) در آمده است و با گرفتن پسوند حاصل مصدر ساز (y) به صورت‌های دشمن‌اوی و دشمن‌یادگی و املاهای دشمن‌یادگی به فارسی نو رسیده است. (برای شواهد بیشتر نک. رواقی، ۱۳۸۱: ۱۷۰ و ۱۷۱). به نظر می‌رسد با تضعیف پسوند (āg) دوباره پسوند (ag) به واژه دشمن‌یادگی اضافه شده و پس از آن حاصل مصدر ساخته شده باشد. این بار چون واج g نقش واج میانجی را دارد باقی مانده است. ریشه‌شناسی مینوی و رواقی صحیح نیست چون پسوندهایی که پیشنهاد کرده‌اند یا در شمار پسوندهای فارسی میانه و فارسی نو نیستند و یا اینکه به صفت متصل نمی‌شوند. پسوند (ād) از بن مضارع بن ماضی می‌سازد و به همین دلیل دشمن‌ادگی و دشمن‌دادگی را باید به شکلی متفاوت از دشمن‌اوی و دشمن‌اوی توجیه کرد^۱.

دوست دارید در بزه افتادن شما به درستی پدید آمد دشمن‌اوی از دهان‌ه‌ا ایشان (۸۴).

۷. گونه زبانی

از زمانی که صورت نوشتاری زبان فارسی در بخش‌هایی از ایران تاریخی گسترش یافت، در کنار فارسی معیار و رایج در شماری از نوشته‌های فارسی قرون پیشین متن‌های زیادی را می‌بینیم که از نظر زبان (واژه و ساخت صرفی نحوی) و آوا با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند، همان‌گونه که زبان این نوشته‌ها با زبان معیار

۱ این نکته را داوران محترم به نویسندگان گوشزد کرده‌اند. از لطف ایشان سپاسگزاریم.

هم ناهم‌خوانی‌های فراوانی دارد. به نظر می‌رسد مجموعه این تفاوت‌ها و ناهمگونی‌های زبانی با چگونگی ساخت‌گیری و ترکیب زبان فارسی در هریک از حوزه‌های جغرافیایی پیوندی استوار دارد (بخشی از تفسیری کهن به پارسی، ۱۳۷۵: سی‌وسه). به مجموعه این تفاوت‌ها که در یک دوره تاریخی و یک محدوده جغرافیایی به کار می‌روند گونه زبانی گفته می‌شود (رواقی، ۱۳۹۵: چهارده). مهم‌ترین گونه‌های زبانی عبارت‌اند از گونه ماوراءالنهری، گونه مرکزی، گونه سیستانی و گونه هروی (رواقی، ۱۳۹۴: ۶ و ۷).

در میان متن‌های کهن فارسی موجود، بیشترین ناهمگونی‌های واژگانی، ساختاری و آوایی را در ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن می‌توان دید. به گونه‌ای که گونه‌گونی‌هایی که در این متن‌ها وجود دارند در هیچ یک از متون و حتی مجموع متون فارسی دیده نمی‌شوند (رواقی، ۱۳۹۵: پانزده).

گرچه همه پژوهشگران درباره نظریه گونه‌های زبانی و روش تعیین گونه زبانی آثار کهن با رواقی هم‌داستان نیستند، نویسندگان این مقاله ضمن پذیرش نظریه ایشان، براساس معیارهای پیشنهادی رواقی متن حاضر را بررسی کرده‌اند و براساس مفردات و ویژگی‌های دستوری موجود در نسخه قرآن مترجم ۳۹۹۷ که پیش از این برشمردیم و نیز با سنجش مختصات زبانی و دستوری این نسخه با نسخه‌های ۹۹۹، ۲۰۴۶، ۱۷۱۳ آستان قدس (الف پایان فعل، دشمن‌اوی، سازواری، ا، آمدن حرف نهی / نفی پیش از جزء اول فعل مرکب و حذف ی در ضمیر متصل ایشان / یتان) که متعلق به حوزه زبانی ماوراءالنهر هستند می‌توان گفت که قرآن ۳۹۹۷ احتمالاً متعلق به حوزه زبانی ماوراءالنهر است.

۸. قرائت منتخب

«قرائت» عبارت است از آنچه در بیان کیفیت قرائت کلمات و حروف قرآن از امام القرائه نقل می‌شود؛ مانند قرائت «مالک» از عاصم و کسائی در آیه چهارم سوره حمد (دانی، ۱۳۶۲: ۱۸). به عبارت دیگر در قرآن کلماتی وجود دارد که علاوه بر پراکنده بودن در سوره‌های مختلف قرآن، تلفظ آنها تابع قاعده‌ای خاص نیست.

اهمیت علم قرائت در آن است که این علم مبنایی است برای سایر علوم مرتبط با قرآن، علمی مانند تفسیر. اهمیت قرائت در تفسیر هنگامی مشخص می‌شود که بدانیم هر یک از این قرائات، با دیگر قرائات در متن آیه تفاوت معنایی ایجاد می‌کنند و اگر این امر نبود گسترش قرائات هفتگانه و نیز بحث درباره آنها امری عبث می‌بود.

گرچه مفردات خاص حفص در آیات مختلف قرآن حدود ۳۵ مورد است، از میان آنها فقط ۱۶ مورد است که در ترجمه فارسی تأثیرگذار است (عامی مطلق و میرحسینی، ۱۳۹۵: ۱۳۲). ما برای بررسی و تعیین قرائت منتخب در نسخه ۳۹۹۷ این ۱۶ مورد را فهرست و بررسی کردیم.

آیه /سوره	قرائت عامه (روایت حفص از عاصم)	روایت مندرج در نسخه	راوی
۸۳ آل عمران	يُرْجَعُونَ	يُرْجَعُونَ	
۱۵۷ آل عمران	يَجْمَعُونَ	يَجْمَعُونَ	
۱۵۲ نساء	يُؤْتِيهِمْ	يُؤْتِيهِمْ	
۱۶۴ اعراف	مَعذِرَةٌ	مَعذِرَةٌ	
۱۸ انفال	مُوهِنٌ كَبِيدٌ	مُوهِنٌ كَبِيدٌ	
۲۳ یونس	مَتَاعٌ	مَتَاعٌ	
۴۵ یونس	يَحْشُرُهُمْ	يَحْشُرُهُمْ	
۴۰ هود	كُلٌّ	كُلٌّ	همه راویان و قاریان به جز حفص
۱۰۹ یوسف، ۴۳ نحل، ۷ انبیاء	نُوحِي	نُوحِي	
۲۵ مریم	تُسَاقَطُ	تُسَاقَطُ	
۱۱۲ انبیا	قُلٌّ	قُلٌّ	
۲۵ حج	سَوَاءٌ	سَوَاءٌ	
۱۹ فرقان	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	
۲۲ روم	لِلْعَالَمِينَ	لِلْعَالَمِينَ	
۳ طلاق	بَالِغٌ	بَالِغٌ	
۱۶ معارج	نَزَاعَةٌ	نَزَاعَةٌ	

برای استخراج قرائت منتخب در قرآن مورد بحث، مفردات حفص را با اختلاف قرائات منقول از هفت قاری و چهارده راوی آنها (بر اساس کتاب قراء سبعه و قرائات سبع، محمدعلی لسانی فشارگی - ۱۳۹۱) سنجیدیم. نتیجه این سنجش آن بود که بر خلاف آنکه اغلب قرائت‌های مندرج در قرآن‌های کهن کتابت‌شده در شرق ایران قرائت ورش از نافع است، قرائت منتخب در نسخه ۳۹۹۷ قرائت حفص از عاصم است. همانگونه که دیدیم فقط در یک مورد روایت قرآن مترجم ۳۹۹۷ با قرائت حفص از عاصم هم‌خوانی ندارد و روایت ابن کثیر در متن آمده است. نیز در برخی صفحات، کاتب متن قرآن اعراب بعضی کلمات را خط زده و اعراب دیگری را وارد کرده است که این اتفاق در واژه‌هایی که در میان قاریان مورد اختلاف‌اند، دیده نشده است (البته ممکن است این اصلاح از سوی کاتب ترجمه باشد).

۹. حروف مقطعه و ترجمه آنها در نسخه

بیست‌ونهم سوره از سوره‌های قرآن با حروفی شروع شده‌اند که به حروف مقطعه مشهورند. بحث درباره ماهیت و معنی این حروف از دیرباز تاکنون مورد بحث علمای اسلام بوده است. عده‌ای گفته‌اند حروف مقطعه حروف صفوه و برگزیده قرآن‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۲۵۰). برخی این حروف را اجزای اسم اعظم الهی دانسته‌اند که اگر به درستی و با دانش الهی ترکیب شوند اسم اعظم آشکار خواهد شد (شیخ صدوق، ۱۴۰۵: ۲۳). عده‌ای نیز این حروف را نشانی اختصاری جهت اشاره به اسمای حسناى الهی دانسته‌اند که از هر نام خداوند حرفی انتخاب و به صورت نایب‌وسته در ابتدای برخی سوره‌ها قرار گرفته است (همان، ۲۲). عده‌ای از روایات اما ناظر به این است برخی از حروف مقطعه مانند طه ناظر به نام پیامبر اکرم است (طبرسی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۴۶۳).

در ترجمه قرآن مترجم ۳۹۹۷ چنان‌که در جدول زیر نیز آورده‌ایم ترجمه مترجم از حروف مقطعه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف) گروهی از حروف، اشاره و سوگند به اسماء و صفات الهی است.

ب) گروهی از حروف، اشاره به پیامبر اکرم (ص) است.

ج) گروهی از حروف، اشاره و سوگند است به قرآن مجید.

نام سوره	حروف مقطعه	ترجمه	شماره صفحه نسخه
آل عمران	الم	به حق این حروف	۶۳
اعراف	المص	منم خدای بزرگوار راست‌گفتار	۱۹۵
یونس	الر	منم خدای می‌بینم به حق این سوره	۲۶۷
هود	الر	قسم است به آلا و لطف و ربوبیت	۲۸۵
یوسف	الر	منم خدای می‌بینم قید قسم به آلا و لطف و ربوبیت	۳۰۴
الرعد	المر	قسم فرمود به آلا و لطف و به ملک و ربوبیت خود	۳۲۰
ابراهیم	الر	قسم است به آلا و لطف و ربوبیت خود	۳۲۸
حجر	الر	قسم است به آلا و لطف و ربوبیت	۳۳۸
مریم	که‌پیعص	به حق این سوره یا به حق این حروف	۳۹۵
طه	طه	به حق این سوره	۴۰۵
شعرا	طسم	به حق طهارت و سنا و ملک خدا	۴۸۰
نمل	طس	به حق طهارت و سنا	۴۹۴

شماره صفحه نسخه	ترجمه	حروف مقطعه	نام سوره
۵۰۷	به حق طهارت و سنا و ملک خدا	طسم	قصص
۵۲۲	به حق آلا و لطف و ملک خدا	الم	عنکبوت
۵۳۳	به حق آلا و لطف و ملک (متن: ملکه) خدا	الم	روم
۵۴۱	به حق آلا و لطف و ملک خدا	الم	لقمان
۵۴۷	به حق آلا و لطف و ملک خدا	الم	سجده
۵۸۱	به حق تو ای سید	یس	یس
۶۰۰	به حق ... (خالی است) به حق قرآن خداوند بیان	ص وَ الْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ	ص
۶۱۹	به حق حکم و ملک خدای	حم	غافر
۶۳۱	به حق حکم و ملک خدای	حم	فصلت
۶۴۰	به حق حکم و مجد و علم و سنا و قدرت خدا	حم عسق	شورا
۶۴۸	به حق حکم و ملک خدای	حم	زخرف
۶۵۸	به حق حکم و ملک خدای	حم	دخان
۶۶۲	به حق حکم و ملک خدای	حم	جاثیه
۶۶۷	به حق حکم و ملک خدای	حم	احقاف
	ترجمه نشده است (قسمت نونویس نسخه)	ق	ق
	ترجمه نشده است (قسمت نونویس نسخه)	طور	طور
	ترجمه نشده است (قسمت نونویس نسخه)	ن	قلم

۱. نتیجه

نسخه ترجمه قرآن حاضر میکروفیلمی است از نسخه‌ای متعلق به مسیح ذبیحی نویسنده گرگانی (۱۳۰۸-۱۳۵۶) که با شماره ۳۹۹۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. نسخه ۸۰۶ صفحه است که آغاز و انجام آن افتاده است و از مترجم و کاتب آن هیچ نام و نشانی در دست نداریم. بخش کهن نسخه به خط نسخ درشت نوشته شده است که از کاتب آن هم نام و نشانی در دست نیست. کاغذ آن سمرقندی، جلد تیماج و نسخه بدون آرایه خاصی است. ابعاد برگ‌ها ۲۴×۳۰/۵ است. ده سطر متن و ده سطر ترجمه است در تمام متن مترجم افتادگی‌های فراوانی دیده می‌شود که نشان از رونویس بودن بخش مترجم دارد. این افتادگی‌ها عموماً در حد یک یا دو کلمه هستند که ممکن است در نسخه مادر افتاده باشند یا کاتب نسخه

قرآن مترجم ۳۹۹۷ نتوانسته باشد آنها را بخواند. با این همه بر اساس ویژگی‌های سبکی زبانی و واژگانی می‌توان گفت قرآن مترجم ۳۹۹۷ اثری متعلق به قرن ششم هجری است.

مترجم در قرآن مترجم ۳۹۹۷ متن قرآنی را کاملاً تحت‌اللفظی با حفظ تمام ویژگی‌های متن عربی ترجمه کرده است. کاتب برای نشان دادن این امر، هر واژه فارسی را زیر واژه عربی آورده است. این پای‌بندی مترجم به متن عربی تا جایی است که متن ساختاری عربی دارد.

براساس مفردات و ویژگی‌های دستوری موجود در نسخه ۳۹۹۷ که پیش از این در متن مقاله برشمردیم و نیز با سنجش مختصات زبانی و دستوری این نسخه با نسخه‌های ۹۹۹، ۲۰۴۶، ۱۷۱۳ آستان قدس (الف پایان فعل، دشمنانگی، سازواری، اُ، آمدن حرف نهی / نفی پیش از جزء اول فعل مرکب و حذف ی در ضمیر متصل یشان/ یتان) که متعلق به حوزه زبانی ماوراءالنهر هستند می‌توان گفت که قرآن ۳۹۹۷ متعلق به حوزه زبانی ماوراءالنهر است.

منابع

- قرآن کریم
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵ الف) تاریخ ترجمه از عربی به فارسی تا دوره صفوی (ترجمه‌های قرآن)، تهران: سروش.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵ ب) دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم، تهران: نشر بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳) دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت).
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳) تاریخ زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت).
- احمد، نذیر (۱۳۵۰) «ذال فارسی»، ایران‌شناسی، ج ۲، ش ۲، ص ۱۹ تا ۷۷.
- ادیب کرمینی، علی بن محمد (۱۳۸۵) تکملة الاصناف، به کوشش علی رواقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۵) دستور تاریخی ۲، ویرایش سوم، تهران: انتشارات فاطمی.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۰) واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی، تهران: قطره.
- باقری، مه‌ری (۱۳۸۴) تاریخ زبان فارسی، تهران: قطره.
- بخشی از تفسیری کهن به پارسی (۱۳۷۵) نویسنده: ناشناس، تصحیح سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: میراث مکتوب.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۴) سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر.
- ترجمه قرآن ماهان (۱۳۸۳) نویسنده: ناشناس، تصحیح محمود مدبری، کرمان: انتشارات دانشگاه باهنر.
- تفسیر شنقشی (۱۳۵۴) نویسنده: ناشناس، تصحیح محمدجعفر یاحقی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفسیر کمبریج (۱۳۴۹) نویسنده: ناشناس، به تصحیح جلال متینی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفسیری بر عشری از قرآن (۱۳۵۲) نویسنده: ناشناس، به تصحیح جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جاحظ (۲۰۰۲) البیان و التبین، ج ۱، قدم علی بوملحم، بیروت: دار المکتبة الهلال.

- حسن دوست، محمد (۱۳۹۵) فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حسنی واعظ، ابوالکارم محمود (۱۳۸۱) دقائق التاویل و حقائق التنزیل، پژوهش جویا جهانبخش، تهران: میراث مکتوب.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۱) آواشناسی، تهران: آگاه.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۵۲) دستور زبان فارسی، تبریز: ستوده.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۳) فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران.
- دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید (۱۳۶۲) التیسیر فی القراءات السبع، تحقیق اوتو برتزل، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رواقی، علی (۱۳۹۴) گونه‌شناسی متن‌های فارسی، ضمیمه ۳۹ دو فصلنامه آیین میراث.
- رواقی، علی (۱۳۹۵) فرهنگنامه بزرگ قرآنی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رواقی، علی (۱۳۸۱) ذیل فرهنگ‌های فارسی، تهران: هرمس.
- زاهدی، مختار (کتابت ۶۵۵) قیبه المئیه لتتمیم الغنیه، نسخه خطی، کتابخانه الازهریه، ش ۳۳۴۸.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۴) بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵) معانی الاخبار، قم: انتشارات شریف رضی.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰) مسائل تاریخی زبان فارسی، تهران: سخن.
- صدیقیان، مهین دخت (۱۳۸۳) ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم هجری، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰) نسخه‌شناخت، تهران: میراث مکتوب.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۳۰) الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
- عامی مطلق، امیرحسین و سیدمحمد میرحسینی (۱۳۹۵) «قرائت حفص در ترجمه‌های کهن فارسی قرآن کریم»، دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، د ۳، ش ۵، ص ۱۲۳-۱۵۶.
- علمای ماوراءالنهر (۱۳۵۶) ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: توس.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۷) عربی در فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قرآن مترجم (اوایل قرن ششم)، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۲۰۴۶.
- قرآن مترجم (ظاهراً قرن پنجم) نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۹۹۹.
- قرآن مترجم (ظاهراً قرن پنجم)، نسخه خطی شخصی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، میکروفیلم ش ۳۹۹۷.
- قرآن مترجم (ظاهراً قرن ششم)، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۷۱۳.
- لسانی فشارگی، محمدعلی (۱۳۹۱) قراء سبعه و قرائات سبع، تهران: اسوه.
- متینی، جلال (۱۳۵۱) «تلفظ و ضبط‌های مختلف یکی از نشانه‌های نادر استفهام در فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، س ۸، ش ۲۹، صص ۱۸۴-۱۸۹.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷) ساخت آوایی زبان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مولایی، چنگیز (۱۳۸۱) «مفعول مطلق در زبان فارسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، د ۴۵، ش ۱۸۵، ص ۹۵ تا ۱۰۲.

- مینوی، مجتبی (۱۳۳۴) «دشمنابگی»، یغما، ش ۴، پیاپی ۸۴، ص ۱۷۷-۱۸۰.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶) تاریخ زبان فارسی، تهران: نشر نو.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲) دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: توس.
- نسفی، نجم‌الدین عمر (۱۳۹۰) تفسیر، تهران: سروش.